

## سخن سردبیر

اقتصاد سیاسی جهانی شاهد تجربه تحولات خارق العاده‌ای در حوزه سیاست، اقتصاد، تکنولوژی و محیط زیست در دهه های آغازین قرن بیست و یکم است. دگرذیسی ساختارهای قدرت و ثروت جهانی، به صحنه آمدن شاخه‌های نوین تکنولوژی، ظهور بازیگران جدید و هم‌زمان، تعمیق چالش‌های جهانی زیست‌محیطی، گسترش بیماری‌های ناشناخته، مخاطره جهانی امنیت آب و غذا، سیل جهان‌گیر آوارگان و پناهندگان، بازتولید تروریسم، گسترش پدیده دولت‌های فرومانده و ورشکسته در برخی مناطق از جمله این تغییرات واهمگراست.

در حوزه سیاست و ساختار قدرت بین‌المللی به‌نظر می‌رسد پس از گذشت هفت دهه از جنگ دوم جهانی زمینه بازمفصل‌بندی هندسه قدرت جهانی مجدداً فراهم شده است. از مهم‌ترین تغییرات سیاسی خیزش چین و تنزل نسبی جایگاه ایالات متحده در منظومه قدرت و ثروت جهانی قرن بیست و یکم است. چین در سال‌های اخیر به‌سرعت رقبای خود را پشت سر گذاشته و شکاف ثروت و قدرت خود را با آمریکا کم‌تر کرده است. چین به‌عنوان بازیگری با نیازهای روزافزون اقتصاد سیاسی داخلی و تکاپوی مکان‌یابی متناسب با ظرفیت قدرت خود در هندسه نوین قدرت جهانی به زبان استعاره‌ای به‌مثابه «قوی سیاه» (Black Swan) بازارهای جهانی انرژی، مالیه، فناوری و ... محافل علمی و سیاستگذاری دولت‌ها و بازیگران غیردولتی را اغلب با شگفتی مواجه می‌کند (Xu, 2012 & Graaf, 2015). برای آن دسته از کشورهایی که از فشارها و محدودیت‌های نظم سیاسی اقتصادی بین‌المللی نیم قرن گذشته به تنگ آمده‌اند و نیز آنان که توسعه ابعاد قدرت و ظرفیت‌های چین را خلاف آمد عادت تلقی می‌کنند، مفصل‌بندی سازوکارهای اثربخش مواجهه با این بازیگر به دغدغه‌ای سیاستی تبدیل شده است. مدل اقتصاد سیاسی چین در چارچوب تعقیب اهداف ملی‌گرایانه در کنار رویکرد بین‌الملل‌گرای آن ورای تجربه نیم قرن اخیر غرب که غالباً با زبان اجبار، تحریم یا از موضعی استثناگرایانه و استعلایی (Transcendental) با دیگران سخن گفته، جذاب در عین حال مبهم و قابل تأمل است. با این حال فصل مشترک تحول ناشی از خیزش چین برای موافقان و مخالفان، تأثیرات تعیین‌کننده آن بر ساختار سلسله‌مراتبی قدرت و ثروت جهانی است. اینکه هر بازیگری در تعامل با تحول اخیر چه فرصت‌ها و چالش‌هایی را پیش روی خود داشته باشد، به طیف گسترده‌ای از متغیرهای داخلی و بین‌المللی به‌ویژه جایگاه و نسبت هر کشور در معرکه بازمفصل‌بندی هندسه قدرت در حال تکوین قدرت جهانی بستگی دارد. واضح است الگوهای رقابت و همکاری جدید بین بازیگران یاد شده برای کشورها و مناطق مختلف مستعد خلق فرصت‌ها و تنگناهای متفاوتی خواهد بود.

مخاطره دیگر تحول نظام جهانی ناشی از پیچیدگی‌های پارادوکسیکال اقتصاد سیاسی ایالات متحده است. تراکم بدهی و دیگر ضعف‌های زیرساختی اقتصاد این کشور و البته سماجت آن در حفظ موقعیت ساختاری خود در اقتصاد جهانی به‌ویژه در مقابل رقبای نوظهوری نظیر چین و تا حدی روسیه بر دامنه ابهام معادلات منطقه‌ای و مناسبات اقتصادی - سیاسی کشورها و مناطق مختلف افزوده است. اگرچه ایالات متحده با چالش‌های متعددی در عرصه اقتصاد سیاسی داخلی و بین‌المللی خود روبه‌روست، اما توجه به این نکته حائز اهمیت است که کشور یاد شده کماکان بیش از ۲۰ درصد تولید ناخالص جهانی را در اختیار دارد (global economy, 2020). به‌نظر می‌رسد ایالات متحده در حال بازبینی موازنه

هزینه - فایده سیاست خارجی نیم قرن اخیر خود و مدیریت آثار ناشی از ظرفیت مازاد این سیاست‌ها بر اقتصاد سیاسی داخلی و نیز بر موقعیت قدرت آن در مقابل دیگر رقبای نوظهور است. همچنین الگوی نوینی از حکمرانی و مواجهه ایالات متحده با کشورها و مناطق مختلف از جمله خاورمیانه در حال تکوین است که نمونه آن خروج شتابان از افغانستان، نزدیک شدن به کشورهای نظیر قطر به‌عنوان یکی از متحدان جدید غیرغربی آمریکا در منطقه منا (MENA) و بازبینی تدریجی الگوی تعامل چند دهه گذشته خود با دولت‌هایی نظیر عربستان سعودی و احتمالاً ایران است.

نکته حائز اهمیت آن است که قبض و بسط مناسبات قدرت بین بازیگران در بستر نظام جهانی متفاوت از دوره جنگ سرد است. دلیل این مهم نیز تحول در ساخت و فرم‌اسیون اقتصاد سیاسی جهانی است. در واقع، جهان در حال تجربه نوعی قلمروزدایی (deterritorialization) و بازقلمروسازی (reterritorialization) مجدد است. در ساختار نوین اقتصاد سیاسی قدرت و ثروت جهانی پیوند گسترده‌ای بین ظرفیت‌ها و ساختارهای تولیدی، تجاری و پولی - مالی بازیگران اصلی نظام در قالب زنجیره جهانی اقتصاد شکل گرفته است. این مهم الگوهای رقابت و همکاری فضای جهانی شدن و پساجهانی شدن را کاملاً متفاوت از قبل کرده است. به تبع آن عرصه کنشگری بازیگران طرف سوم در میانه رقابت و همکاری قدرت‌های اصلی شکننده و عریض‌تر شده است. بلوک‌بندی‌های موجود را نمی‌توان براساس مدل‌های کلاسیک دولت‌محور و قطب‌بندی جنگ سرد مفهوم‌سازی کرد. خطوط واگرایی و همگرایی کشورها و مناطق را صرفاً مطامع و توانمندی سیاسی - نظامی شکل نمی‌دهد. تصمیم‌گیری و موضع‌گیری کشورها به اشکال مختلف و به‌طور مداوم توسط منافع و نیازهای اقتصاد ملی و درهم‌تنیدگی‌های اقتصاد سیاسی آنها با ساختارهای فراملی جرح و تعدیل می‌شود. نظم در حال تکوین جهانی را می‌توان در چارچوب نوعی موازنه مداوم در حال تغییر نیروها، بلوک‌بندی‌های پیچیده و چندوجهی درک و تحلیل کرد.

هم‌سویی اروپا با آمریکا از یک‌سو و نگرانی هم‌زمان آن از تشدید تعارضات آمریکا با چین و روسیه و دیگر رقبا از سوی دیگر فضای برزخ‌گونه‌ای را بر اقتصاد سیاسی خارجی این منطقه تحمیل کرده است. براساس آمارها روسیه در سال ۲۰۲۰ بیش از ۶۰ درصد انرژی اروپا را تامین کرده است. بسیاری از شرکت‌های اروپایی در خاک روسیه سرمایه‌گذاری کرده‌اند. شرکت BP انگلیس حدود ۲۰ درصد از سهام شرکت بزرگ نفتی روسیه یعنی روس نفت را در اختیار دارد. بیش از ۲۷ درصد از سرمایه‌گذاری در میدان بزرگ گازی ساخالین روسیه متعلق به شرکت شل است که در همکاری با شرکت روسی گاز پروم تحقق یافته است. بانک‌های اروپایی حضور گسترده‌ای در اقتصاد روسیه دارند. تنها بانک‌های فرانسوی و اتریشی بیش از ۴۰ میلیارد دلار وام به روسیه پرداخت کرده‌اند (eghtesadonline, 1400). بدیهی است هرگونه تنش و واگرایی سیاسی به‌سرعت وضعیت اقتصادی و ارزش‌داری‌ها و نیز چشم‌انداز پروژه‌های در دستور کار را به مخاطره می‌اندازد. چیزی که بعید است برای هیچ‌کدام از طرفین در میان‌مدت تحمل‌پذیر باشد. از طرفی روسیه به کمک منابع انرژی و ژئوپلیتیک خود از ظهور چین به مثابه فرصتی برای تقویت جایگاه خود و نیز عقب‌راندن آمریکا و متحدان اروپایی این کشور از حیات خلوت خود استفاده می‌کند. نمونه جدید آن حمله بی‌مهابای این کشور به اوکراین است. برای اولین بار بعد از فروپاشی نظام کمونیستی، روسیه در نزدیک‌ترین فضای ذهنی و عینی تعامل با چین قرار دارد. تبلور این مهم را در

سالیان اخیر در هم‌سویی دو کشور در شانگهای، ابتکار کمربند - جاده، بازی‌های المپیک و در توسعه‌طلبی اخیر این کشور به خاک اوکراین و همراهی تلویحی چین با روسیه می‌توان مشاهده کرد

در کنار رقابت و تعاملات سیاسی توجهات محافل فکری و سیاستی بازیگران در حال حاضر معطوف به تحول فناوری و ظهور طیفی از تکنولوژی‌های جدید بسترساز ساختار تولیدی تجاری، پولی - مالی جهانی شده است. برآیند انقلاب یاد شده طی چند دهه اخیر بسترساز گذار اقتصاد جهانی به فرماسیون اقتصادی - اجتماعی نوینی از تولید و تجارت حول اقتصاد دانش‌بنیان بوده است. واضح است ظرفیت و انطباق‌پذیری کشورها و مناطق مختلف برای کنشگری در چارچوب ساختار نوین فناوری، تولیدی، تجاری، مالی و قوانین، نهادها و مناسبات سیاسی متناسب با آن یکسان نیست.

در تداوم تحول اخیر باید به تعمیق چالش‌های محیط زیست جهانی به‌مثابه یک تهدید فراروی زیست کره و امیدها به تعهدات جمعی و نیز نقش تکنولوژی در مدیریت تنگنای تغییرات آب و هوایی اشاره کرد. برگزاری بیست و ششمین اجلاس جهانی سازمان ملل برای تغییرات آب و هوایی موسوم به کوپ ۲۶ (conference of the parties. Cop26) که در نوامبر ۲۰۲۱ در گلاسکو اسکاتلند برگزار شد، را می‌توان مهم‌ترین رخداد جدی جامعه بشری برای مواجهه با ناپایداری و مخاطرات زیست‌محیطی فراروی حیات جمعی بشر طی صد سال اخیر تلقی کرد. برای نخستین بار دولت‌ها و طیف گسترده‌ای از سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی در رأس آنها اتحادیه اروپایی در پیمان گلاسکو با اشاره به نقش سوخت‌های فسیلی در تغییرات آب و هوایی ایده اقتصاد با کربن صفر را مطرح کردند. ابتکار یاد شده خواهان برنامه زمان‌بندی شده کشورها و مناطق مختلف اقتصاد جهانی برای گذار از اقتصاد فسیلی و روی آوردن به سبک زندگی نوین وابسته به منابع جدید انرژی و اقتصاد دانش‌بنیان شده است. اروپا شاید به خاطر آسیب ناشی از چالش‌های امنیت انرژی خود، بیش از همه بر ضرورت به صفر رساندن سوخت‌های آلاینده و سوق دادن فرماسیون اقتصادی - اجتماعی خود به سمت توسعه سبز و صنایع پاک در این کنفرانس جدیت به خرج داد. بیش از ۱۰۰ بنگاه بزرگ غالباً غربی در کنفرانس یاد شده متعهد شده‌اند به سمت به صفر رساندن کربن حرکت کنند (ukcop26.org). بدیهی است تجربه جدید تهاجم روسیه به اوکراین و استفاده روسیه از سلاح انرژی در مناسبات خود با غرب فشار ساختاری بر اقتصاد غرب برای مصون‌سازی خود در مقابل پاشنه آشیل یاد شده و سرمایه‌گذاری هرچه بیشتر برای رهایی از اقتصاد وابسته به منابع فسیلی را در سال‌های آتی دوچندان خواهد ساخت.

تحركات یاد شده محدود به کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته غرب نبوده و دامنه اثرگذاری آن به دستورکار جهان غیر غرب از شرق آسیا تا خاورمیانه و حتی شمال آفریقا نیز تسری یافته است. چین به‌دلیل نگرانی از گسترش مخاطرات زیست‌محیطی و در عین حال اقتصاد وابسته به انرژی فسیلی خود در سالیان اخیر تمرکز گسترده‌ای بر اقتصاد دیجیتال، شهرهای هوشمند و ... در کنار راهبرد اتصال به کانون‌های انرژی فسیلی در دستور کار قرار داده است (Duggan, 2015 & Karluk and Karaman, 2014) این حوزه‌ها نیز فرصت‌ها و تنگنایی برای اقتصاد سیاسی ملی چین از حیث هزینه‌های گسترش صنایع آلاینده و محدودیت ناشی از آن در نهادهای بین‌المللی برای این کشور به بار آورده است. سرمایه‌گذاری گسترده برخی کشورهای عربی نظیر قطر، عربستان و امارات و نیز مراکش در حوزه فناوری‌های پیشرفته، اقتصاد دانش

بنیان، شهرهای هوشمند و ... گویای بسط آگاهی جهانی در انطباق‌پذیری شرایط الگوی زیست جوامع با اقتضائات نوین جهانی در بهره‌گیری از فرصت‌ها و مدیریت تنگناها و مخاطرات نوظهور دارد (Aly, 2018: 3-5).

به‌نظر می‌رسد بشر بر سر یک دو راهی متناقض قرار گرفته است. جهان از یک سو شاهد غلتیدن به درون دیوارهای ناسیونالیسم، قومیت، جنسیت، بنیادگرایی مذهبی و از سوی دیگر گام نهاده به فراسوی تعلقات یاد شده به نفع پایه‌گذاری چارچوب‌ها و قواعد جمعی در جهت نجات جمعی جامعه بشری است. حجم بالایی از انتشار اخبار و اطلاعات و حساسیت جهانی نسبت به تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی درون و ورای مرزها نشان از دغدغه همگانی درخصوص فرجام حیات جامعه بشری در رویارویی با پیچیدگی‌های تحولات نوین جهانی دارد. به‌رغم مخاطرات و دغدغه‌های متعارض یاد شده به‌نظر می‌رسد ساختار نوینی از قدرت، حکمرانی و دولت‌داری با درهم‌تنیدگی روزافزون امر محلی و امر جهانی در حال تکوین است. از این حیث تغییرات نوظهور برای آن‌دسته از بازیگران هوشمند، چابک و دارای سازوکارها، الگوها و برنامه‌های منسجم توسعه‌ای داخلی و نقشه راه چگونگی اتصال به اقتصاد جهانی فرصت‌های نوظهوری نهفته که به‌واسطه آن می‌توانند کشتی توسعه خود را در دریای متلاطم اقتصاد، سیاست، امنیت و فرهنگ جهانی با اطمینان بیشتری به‌سمت ساحل توسعه و تعالی مدیریت کنند.

بالتبع این تحولات برای منافع و امنیت پایدار ج. ا. ا. نیز مستعد چالش‌ها و فرصت‌های جدید است. اولویت اساسی اقتصاد سیاسی ج. ا. ا. سامان‌دهی به مقوله نظم و توسعه خود در هر دو سطح ملی و بین‌المللی است. حصول به اجماع استراتژیک بین نیروهای سیاسی و کاهش سطح ستیزها و تعارضات فرساینده بین نیروهای یاد شده از یک سو و تمرکز بر مسائل اساسی و تعیین‌کننده اقتصاد پویای ملی و تلاش برای حل‌وفصل تنگناهای تعامل با اقتصاد جهانی، در اولویت قرار گرفتن مقوله توسعه اقتصادی و به‌طور خاص نیازهای سیاست صنعتی کشور از سوی دیگر بر فرجام توسعه و امنیت پایدار کشور تأثیرات تعیین‌کننده دارد. استحکام قدرت داخلی، ثبات سیاسی و درهم‌تنیدگی رابطه دولت و جامعه در داخل و مکان‌یابی شایسته جایگاه ایران در هندسه در حال تکوین قدرت جهانی به چگونگی سامان‌دهی به این دو مقوله یعنی نظم و توسعه و هم‌افزایی و هم‌سویی متقابل این دو در سطح ملی و بین‌المللی وابسته است. در این راستا دستگاه مفاهیم، نظام واژگان و استراتژی‌های تحلیلی فراگیرتری نیاز است که چگونگی درهم‌آمیختگی و امتزاج امر جهانی و محلی و مواجهه کارآمد با تحولات پیچیده یاد شده را برای نظام دانایی و توانایی کشور قابل درک و انضمامی سازد. نشریه *اقتصاد سیاسی* با رویکردی میان‌رشته‌ای و پسارشته‌ای امید دارد در سوق دادن سنت تحقیقات علوم اجتماعی کشور به‌سمت گسترش و پایه‌گذاری چارچوب‌های ترکیبی و چندلایه و صورت‌بندی تحقیقات اصیل، عمیق و راهگشای حل‌وفصل مسائل تأثیرگذار بر حیات پایدار دولت و جامعه نقش‌آفرین باشد.

#### منابع:

Aly, Abdel. Monem. Said (2018). The Return of Geo-Economics and the Emergence of Co-Prosperity Zones in the Middle East, available at: [www.brandies.edu](http://www.brandies.edu). Crown.

Duggan, Jennifer (2015). China Makes Carbon Pledge Ahead of Paris Climate Change Summit.” The Guardian, June 2015, <https://www.theguardian.com/environment/2015/jun/30/china-carbon-emissions-2030-premier-li-keqiang-un-paris-climate-changesummit>.

Global economy, Percent of world GDP: Country rankings (2018), available at: [www.theglobaleconomy.com/rankings/gdp\\_share](http://www.theglobaleconomy.com/rankings/gdp_share).

Graaf, Van. de. Thijs (2015). The IEA, the new energy order *and the future of* global energy governance, available at: <https://www.researchgate.net/publication/284146634>.

Karluk, Sadik Ridvan and Karaman, Suleyman.Cem (2014). Bridging Civilizations From Asia to Europe: The Silk Road. Chinese Business Review, December 2014, Vol. 13, No. 12, 730-739.

Xu, Xiaojie (2012). “Black Energy Swan: A Global Perspective”, Center on Environment, Energy and Resource Policy, Hong Kong University of Science & Technology, May

<https://www.ukcop26.org>

-گزارش تحلیلی: واکنش بازارها به جنگ روسیه و اوکراین، (۱۴۰۰/۱۱/۲۴)، قابل دسترس در سایت: <https://www.eghtesadonline.com/>